



## Power Reconfiguration in the U.S.-Centric International Order and the Readjustment of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

Mohsen Keshvarian Azad<sup>1</sup> | Mehrshad Ghafarizadeh<sup>2</sup> | Mehdi Amiri<sup>3</sup>

1. Ph.D. Graduate in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. mkeshvarian69@gmail.com

2. PhD student in International Relations and researcher at the Foreign Policy Department of the Political-Legal Deputy of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. m.ghafarizadeh@ase.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, Political Studies Office, Islamic Consultative Assembly Research Center, Tehran, Iran. m.amiri@mrc.ir

### Abstract

The purpose of this article is to analyze the implications of the ongoing reconfiguration of power within the U.S.-centric international order and to identify an optimal strategy for the Islamic Republic of Iran. Employing a descriptive-analytical approach and utilizing documentary research through written and electronic sources, the study addresses the following question from a realist perspective: What consequences have the foundations of the global order experienced in the era of power reconfiguration within the U.S.-led international system, and what are the optimal strategies for the Islamic Republic of Iran to position itself effectively within the emerging order? The findings indicate that the redistribution of capabilities in the international system has altered both the configuration and functions of states, resulting in consequences such as geopolitical tensions, intensified competition and rivalry between the two major powers, China's emergence as a rule-shaping actor, and U.S. efforts to restore its hegemonic position. Such developments have significant implications for the future role and presence of the Islamic Republic of Iran at both regional and global levels and generate new requirements for its foreign policy. Accordingly, Iran's foreign policy and economic diplomacy need to be recalibrated in line with these transformations.

**Keywords:** U.S.-Centric International Order, Power Reconfiguration, Foreign Policy Readjustment, Islamic Republic of Iran

#### Volume info

Vol. 6  
Series: 22  
Summer 2026  
P.P: 101-132

#### Article Type

#### Research Paper

#### Article History

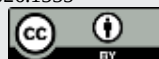
Received:  
16 July 2025  
Revised:  
21 July 2026  
Accepted:  
19 August 2026  
Published:  
23 July 2026

#### ISSN – E-ISSN

ISSN: 2821-0247  
E-ISSN: 2783-4743



**Cite this article:** Keshvarian Azad, M, Ghafarizadeh, M and Amiri, M . (2026). Power Reconfiguration in the U.S.-Centric International Order and the Readjustment of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. American Strategic Studies, 6(2),101-132. doi: 10.47176/asr.2026.1335



**Publisher:** Inam Hossein University.

"Authors Retain The Copyright"



## باز آرای قدرت در نظم بین‌المللی آمریکا محور و بازتنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محسن کشوریان آزاد<sup>۱</sup> | مهرشاد غفاری زاده<sup>۲</sup> | مهدی امیری<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mkeshvarian69@gmail.com

۲. دکترای روابط بین‌الملل، پژوهشگر گروه سیاست خارجی معاونت سیاسی - حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. m.ghafarizadeh@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران. m.amiri@mrc.ir

### چکیده

هدف این مقاله تحلیل پیامدهای تحول بازآرای قدرت در نظم بین‌المللی آمریکا محور و اتخاذ راهبرد بهینه برای جمهوری اسلامی ایران است و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی با مراجعه به منابع اسناد مکتوب و الکترونیک و بر اساس منطق واقع‌گرایی به این پرسش پاسخ داده که بنیادهای نظم جهانی در عصر بازآرای قدرت در نظم بین‌المللی آمریکامحور چه پیامدهای را تجربه نموده است و راهبردهای بهینه جمهوری اسلامی برای جانمایی درست در نظم جدید کدام‌اند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با توزیع توانمندی‌ها در نظام بین‌الملل، آرایش و کارکرد دولت‌ها تغییر کرده و پیامدهای شامل: تنش‌های ژئوپلیتیک، افزایش رقابت و تنش دو قدرت بزرگ، نقش جدید چین به‌عنوان بازیگر قاعده‌ساز و تلاش آمریکا برای بازیابی هژمونی را در پی داشته است، چنین وضعیتی تأثیر به‌سزایی بر آینده حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان دارد و الزامات جدیدی را برای سیاست خارجی آن ایجاد می‌نماید که لازم است سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ایران در راستایی این تحولات تنظیم گردد.

**کلیدواژه‌ها:** نظم بین‌المللی آمریکامحور، بازآرای قدرت، بازتنظیم سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران

سال و شماره

سال ۶، پیاپی: ۲۲

تابستان ۱۴۰۵

صص: ۱۳۲-۱۰۱

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

شابا چاپی و الکترونیک

شابا چاپی: ۲۴۷-۲۸۲۱

الکترونیک: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



**استناد:** کشوریان آزاد، محسن؛ غفاری زاده، مهرشاد و امیری، مهدی. (۱۴۰۵). بازآرای قدرت در نظم بین‌المللی

آمریکا محور و بازتنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی آمریکا، ۶(۲)، ۱۳۲-۱۰۱

doi: 10.47176/asr.2026.1335

"حق چاپ برای نویسندگان

محفوظ است"

ناشر: دانشگاه جامع

امام حسین(ع).



OPEN ACCESS

## مقدمه

چرخه جابجایی قدرت هژمون<sup>۱</sup> از گذشته جزء ویژگی‌های نظام بین‌الملل بوده است. طبق تحقیقات انجام‌شده از قرن پانزدهم تاکنون، شانزده مرتبه قدرت‌های حاکم (هژمون) و قدرت‌های نوظهور بر روی تغییر نظم بین‌الملل و نظم منطقه‌ای چالش داشته‌اند که دوازده بار آن منجر به جنگ شده است (Allison, 2017:21). در این راستا، در عصر معاصر مدل نظم جهانی از دوقطبی جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) بین آمریکا و شوروی به دوره تک‌قطبی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ تغییر کرد و آمریکا به‌عنوان ابرقدرت نظم جهانی تک‌قطبی مدیریت نظم جهانی را در دست گرفت. با ورود به قرن بیست و یکم و جنگ‌های پایان‌ناپذیر آمریکا در جهان-به‌ویژه غرب آسیا- و سپس بحران مالی سال ۲۰۰۸، زمینه برای ورود به نظم جدید جهانی فراهم شد. در سه دهه گذشته، جهان شاهد تحول سریعی در توزیع قدرت بود و نظم جهانی از پیکربندی تک‌قطبی بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۸، وارد مرحله جدیدی شد که اکنون شاهد آن هستیم. در راستای تحولات جدید نظم، توزیع قدرت جهانی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت و بازیگران جهانی در حال تغییر هستند.

در امتداد تغییرات عملی در نظم جهانی، مناظره روابط بین‌الملل نیز پیرامون مفهوم‌سازی نظم جدید آغاز گردید. پایه‌های اصلی شاکله نظم جهانی شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و پایه‌های فرعی آن شامل فناوری، سایبری، دیجیتال شروع به تغییر کرد؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داد. میزان تغییر و تحول در هر یک از پایه‌های نظم متفاوت است و دامنه قدرت دولت‌ها در حوزه‌های مختلف نیز با هم تفاوت دارد؛ چنانچه به‌زعم برخی، جهان از لحاظ قدرت نظامی تک‌قطبی، اما از لحاظ قدرت اقتصادی و قدرت فناوری چندقطبی یا تک-چندقطبی است (Degterev, 2019: 404-410). نظم بین‌المللی تک‌قطبی به رهبری آمریکا که پس از جنگ سرد بر جهان تسلط داشت، در حال فروپاشی است و در پی آن توزیع توانمندی‌ها و آرایش دولت‌ها تحت تأثیر این تحول ساختاری قرار گرفته است. در نتیجه تغییرات مذکور، دولت‌ها رفتار سیاست خارجی خود را باز تنظیم کرده‌اند. با شکل‌گیری ساختار جدید چندقطبی، نقش سلطه‌گرانه آمریکا به‌عنوان رهبر نظم تک‌قطبی رو به افول<sup>۲</sup> است و قدرت‌های نوظهور همچون چین روسیه و هند، کانون‌های اقتصادی، سیاسی و فناوری را به سمت شرق سوق داده‌اند. به‌گونه‌ای

<sup>۱</sup> Hegmon

<sup>۲</sup> American decline

که قرن بیست و یکم با محوریت آسیا در حال ظهور است و دیگر برتری مطلق غرب به رهبری آمریکا موضوعیت ندارد (Muzaffar & et al., 2017: 49-54).

با این وجود آنچه حائز اهمیت است، این است که اکنون تغییر و تحول در نظم و پایه‌های آن در حال گسترش است و دولت‌ها نیز در حال صف‌آرایی جدید و باز تنظیم سیاست خارجی خود می‌باشند. مفهوم بازآرایی نظم، پرسش‌های متعددی را پیش‌روی محققان، تحلیل‌گران و دولتمردان عرصه سیاست خارجی گذاشته است. در این رابطه، اجماع گسترده‌ای در سراسر جهان وجود دارد که دولت‌ها باید نقش خود را دوباره در نظام بین‌الملل بازتعریف نمایند و نسبت به تأثیرات مثبت و منفی بازآرایی نظم هوشیار باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و لازم است که سیاست خارجی کشور را به گونه‌ای تنظیم کرد که ضمن عبور از موانع و آسیب‌های احتمالی، ابتکار و برنامه‌ی مدون و بلندمدتی را برای جانمایی در نظم جدید تدوین نماید. هدف این مقاله تحلیل تحول بازآرایی قدرت در نظم بین‌المللی آمریکا محور و اتخاذ راهبرد بهینه برای جمهوری اسلامی ایران است و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی با مراجعه به منابع اسناد مکتوب و الکترونیک و منطق واقع‌گرایی به این پرسش پاسخ داده است که بنیادهای نظم جهانی در عصر بازآرایی قدرت در نظم بین‌المللی آمریکا محور چه پیامدهای را تجربه نموده است و راهبردهای بهینه جمهوری اسلامی برای جانمایی درست در نظم جدید کدام‌اند؟ در این مقاله ابتدا چارچوب نظری، بازآرایی سیستم بین‌الملل و نحوه تغییر شکل نظم جهانی شرح داده شده، سپس با ارزیابی پیامدهای تحول نظام بین‌الملل، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را متناسب با آرایش جدید نظم جهانی تبیین کرده است.

## ۱- پیشینه پژوهش

مقاله دوشان پروروکوویچ و نناد استکیچ<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) با عنوان «موازنه جدید قدرت در سیستم بین‌الملل و نقش چین<sup>۲</sup>» بر آن است که در نظام بین‌الملل نظم چند قطبی در حال ظهور است که در سه دهه اخیر، چین به‌طور قابل توجهی در ایجاد بازآرایی مجدد در پویایی قدرت اقتصادی جهانی نقش داشته است. نتایج نشان می‌دهد تلاش‌های فعلی و آتی چین باهدف تقویت نظم چندقطبی است

<sup>۱</sup> Proroković, Dušan, and Nenad Stekić

<sup>۲</sup> New balance of power in the international relations and the role of China

که در آن چین ردای یک قدرت بزرگ و یک شرکت‌کننده محوری در امور جهانی را بر تن می‌کند. هدف مقاله دانا علی آلنزی<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) با عنوان «راهبرد تغییر موازنه آمریکا در آسیا و رقابت آمریکا و چین دریای چین جنوبی از منظر رئالیسم تهاجمی»<sup>۲</sup> بررسی ارتباط راهبرد توازن مجدد آمریکا در آسیا و رقابت مهار چین دریای چین جنوبی از منظر نظریه رئالیسم تهاجمی است. نویسنده توجه ویژه به بازتعریف رویکرد آمریکا در نظام بین‌الملل برای مهار چین دارد که در راستای بازیابی هژمونی این کشور صورت می‌گیرد.

مایکل ای پیترز<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) در مقاله‌ی با عنوان «نظم جهانی چندقطبی در حال ظهور: یک تحلیل اولیه»<sup>۴</sup> استدلال می‌کند که تحت تأثیر سیاست نخست آمریکا، نقش این کشور برای پیشبرد نظم لیبرال زیر سؤال رفته است. یافته‌ها بر آن است که برای رهبران جهانی و سیاست‌گذاران بسیار مهم است راهبردهایی را برای کاهش تنش‌های فزاینده و جلوگیری از انزوای احتمالی ایالات متحده از اتحاد غرب تدوین کنند. مقاله آمیتاو آچاریا و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۳) تحت عنوان «چندقطبی یا چندگانه؟ ظرفیت تعامل، همکاری جهانی و نظم جهانی»<sup>۶</sup> از یک مفهوم جدید - چندگانگی، به جای چندقطبی یا هژمونی لیبرال - برای توصیف و تحلیل نظم جهانی در حال تغییر استفاده می‌کند که رهبری آمریکا به سمت جهانی غیرمتمرکزتر و با رهبری کثرت‌گرا در حال تغییر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که باید مباحث مربوط به آینده نظم جهانی و اصلاح نهادهای بین‌المللی را هدایت نمود.

مقاله دایان زوری<sup>۷</sup> (۲۰۲۳) با عنوان «عربستان سعودی و ایران در یک نظم جهانی چندقطبی: سناریوهایی برای آینده خاورمیانه»<sup>۸</sup> بررسی می‌کند که چگونه عربستان سعودی و ایران در پاسخ به پویایی قدرت جهانی در حال تغییر، سیاست خارجی و اتحادهای خود را تنظیم می‌کنند و این تنظیمات چه معنایی برای آینده خاورمیانه می‌تواند داشته باشد. علی فتح‌اللهی نژاد (۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان «ایران و ظهور نظم جدید جهانی از احمدی‌نژاد به روحانی»<sup>۹</sup> با در نظر گرفتن تعادل

<sup>۱</sup> Alenezi, Danah Ali

<sup>۲</sup> US rebalance strategy to Asia and US-China rivalry in South China Sea from the perspective of the offensive realism

<sup>۳</sup> Peters, Michael A

<sup>۴</sup> The emerging multipolar world order: A preliminary analysis

<sup>۵</sup> Acharya, Amitav, Antoni Esteveadeordal, and Louis W. Goodman

<sup>۶</sup> Multipolar or multiplex? Interaction capacity, global cooperation and world order

<sup>۷</sup> Zorri, Diane M

<sup>۸</sup> Saudi Arabia and Iran in a multipolar global world order: Scenarios for the future of the middle east

قدرت داخلی و بین‌المللی، نظم جهانی پس از تک‌قطبی دهه ۲۰۰۰ که «بین‌قطبی امپریالیستی»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود را نظریه‌پردازی می‌کند، روابط ایران با قدرت‌های بزرگ غیرعربی را در آن دوران بررسی نموده، نقدی بر دکترین روحانی، دیدگاه‌های اقتصادی و سیاست خارجی آن ارائه می‌دهد.

مقاله محمدرحیم عیوضی (۱۴۰۱) با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و سناریوهای آینده معطوف به قدرت آمریکا» چنین ارزیابی می‌کند که آمریکا مسیر افول و نزولی قدرت را طی می‌نماید و پیش‌بینی می‌شود که تحولات آینده شرایط را برای گسترش قدرت و نفوذ رقبای این کشور همچون چین و روسیه فراهم می‌نماید. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای جایگاه خود در منطقه غرب آسیا باید تلاش کند تا رابطه خود با کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی را بر مبنای آموزه‌های اسلام، منافع اقتصادی و دوری از تضاد ایدئولوژیک بهبود بخشد. شهره پیرانی و آرش سعیدی‌راد (۱۴۰۰) در مقاله با عنوان «افول سیاسی ایالات متحده آمریکا: زمینه‌ها و تحلیل‌ها» به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های متعددی مانند نوع حکومت، یک‌جانبه‌گرایی، ایدئولوژی لیبرالیسم، کاهش نفوذ قدرت در کشورهای جهان سوم، کاهش نفوذ سیاسی آمریکا بر روی متحدانش، زوال اعتبار سیاست خارجی آمریکا و...، مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده افول سیاسی است که می‌توان برای آمریکا در آینده تصور کرد.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی و رضا ذبیحی (۱۴۰۳) در مقاله با عنوان «ایران و نظم نوین جهانی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» استدلال می‌کنند که راهبرد مناسب ایران با نظم نوین جهانی باید یک طرح تعامل‌گرایی و تعادل‌گرایی چندوجهی با امکان استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف در شرق و غرب و به‌ویژه در منطقه خود باشد. عقیفه عابدی و عباس اصلانی (۲۰۲۱) در مقاله با عنوان «ایران و گذر جهانی قدرت: نگرش‌ها و آینده» این فرض را به آزمون می‌گذارند که پیش‌ران‌های توافق یا عدم توافق هسته‌ای، رفع تحریم‌ها علیه ایران یا گریز ایران از تحریم‌ها از یک‌سو، عدم قطعیت‌های بحرانی موجود؛ سیاست ضد ایرانی آمریکا و بدبینی و بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا از سوی دیگر، بر جهت‌گیری ایران در شرایط متحول نظام بین‌الملل مؤثر هستند.

پژوهش‌های پیشین به‌صورت جزئی و موضوعی به برخی از تحولات و پیامدهای نظم جهانی اشاره نموده‌اند و در برخی از پژوهش‌های پیشین بر روی تجویز راهبردی مشخص برای جمهوری

<sup>۱</sup> Imperial interolarity

اسلامی ایران تمرکز شده است، اما به صورت جامع به پیامدهای تحولات نظم جهانی و مجموعه راهبردهای ایران توجه نشده است. برای رفع این خلأ پژوهشی، این مقاله در تلاش است تا ضمن شناسایی و تبیین پیامدهای بازآرایی قدرت در نظام بین‌الملل، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را متناسب با تحولات در حال شکل‌گیری استخراج نماید.

## ۲- مبانی نظری: توزیع توانمندی‌ها و شکل‌گیری آرایش جدید

توزیع توانمندی‌ها و شکل‌گیری آرایش جدید دو اصل اساسی نظریه نئو واقع‌گرایی (واقع‌گرایی ساختاری)<sup>۱</sup> است. در نظریه نئو واقع‌گرایی، ساختار نظام و توزیع نسبی قدرت، کانون محوری و تعیین‌کننده رفتار بازیگران هستند. درواقع ساختارها، رفتار دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تعیین و تبیین می‌کنند. در این نظریه، سه مؤلفه اساسی موردنظر است: محیط آنارشیک و فقدان اقتدار مرکزی، تعیین کارکرد واحدها و توزیع توانمندی‌ها، که درنهایت، ثبات ساختاری سیستم بر اساس توزیع توانمندی‌ها شکل می‌گیرد (Waltz, 2015: 15-28). در نئوواقع‌گرایی، ساختار نظام بین‌الملل بر روی تغییر رفتار واحدهای سیاسی موجود اثر می‌گذارد و همین ساختار است که شیوه رفتار واحدهای سیاسی را تعیین می‌کند. ساختار نظام بین‌الملل، برحسب توزیع قدرت و توانایی‌های واحدها و چگونگی چینش و آرایش آن‌ها تعریف می‌شود. رفتار دولت‌ها محدود و مقید به ساختار نظام است و ساختار، الگوی رفتاری واحدی را برای کشورهای مختلف با خصوصیات متفاوت ایجاد می‌کند؛ بنابراین، از نظر والتز «توزیع توانمندی‌ها» ناشی از تأثیر و عملکرد سیستم بین‌المللی است، واحدها (دولت‌ها) اعم از بزرگ و کوچک تحت تأثیر سیستم بین‌المللی هستند و این ساختارهای سیستم هستند که رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهند. این ساختار سیستم است که رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند، نه خود واحدها (Waltz, 1979: 73). حال این تحولات ساختاری و توزیع توانمندی موجب شده که دولت‌های در نظام بین‌الملل به دنبال بازتعریف سیاست خارجی خود در مواجهه با تغییرات ساختاری باشند.

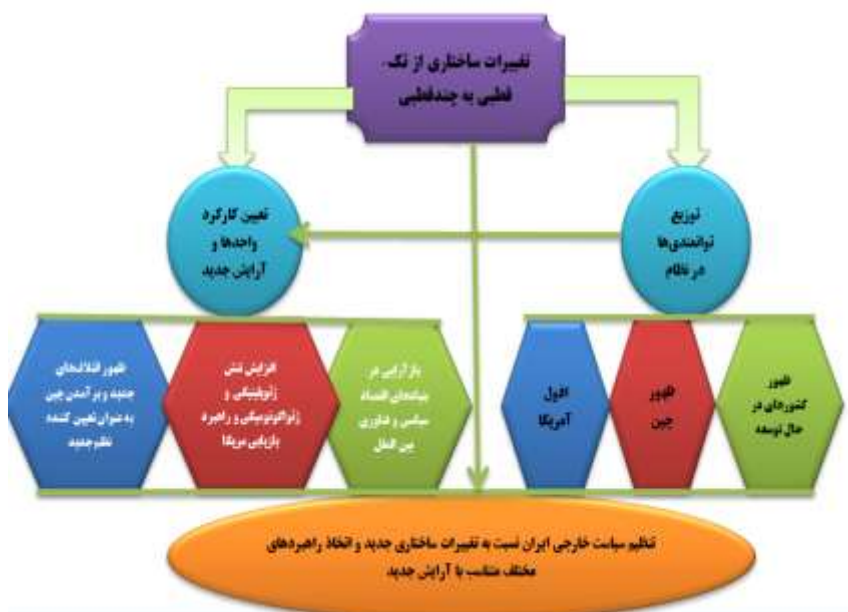
به‌عنوان مثال در طول جنگ سرد، سیاست خارجی دولت‌ها تحت تأثیر سلطه ایدئولوژی نظام دوقطبی بود و این ساختار دوقطبی بسیاری از جنبه‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تعیین می‌کرد. این تأثیرات، عمدتاً در سه جنبه ظاهر شد: اول، تقدم ایدئولوژی بر منافع ملی و تقسیم شدن دشمنان

<sup>۱</sup> Neorealism

و دوستان توسط ایدئولوژی؛ دوم، ایدئولوژی مرزهای رفتار دیپلماتیک را محدود می‌کرد و باعث می‌شد که سیاست خارجی فاقد انعطاف و نوآوری باشد؛ سوم در طول جنگ سرد دیپلماسی به صورت منفعلانه پیش می‌رفت (Rui Wu & Jun Zhao, 2020: 561). دیپلماسی ایدئولوژیک با محیط عینی هژمونی آمریکا و شوروی سازگار شد و در سراسر جهان رواج یافت. پایان جنگ سرد، به جای ساختن یک نظام تک قطبی تحت هژمونی آمریکا، الگوی جدیدی از «یک ابرقدرت و چندین قدرت» را در جامعه بین‌المللی ترویج کرد که در این الگو، بسیاری از کشورهای نوظهور، به سرعت در حال رشد بودند. در روند تغییر نظام بین‌المللی از دو قطبی به تک قطبی، رفته رفته برخی از مناسبات قدرت تغییر کرد. در قرن بیست و یکم به صورت آهسته زمینه تغییر ساختاری در نظم فراهم شد، تقسیم و سازمان‌دهی مجدد قوا بین نهادهای سیاسی، باعث افزایش توان قدرت‌های منطقه‌ای شد و سیاست بین‌الملل به سمت چندقطبی شدن حرکت کرد. به طور عینی، ساختار چندقطبی زمینه بیشتری را برای ابتکار عمل و انعطاف در سیاست خارجی یک کشور فراهم می‌کند. در چنین فضایی، اگرچه بازی سیاسی قدرت‌های بزرگ ادامه دارد، اما آرایش بازیگران، به ویژه بازیگران نوظهور در حال تغییر است. در واقع در نظام چندقطبی، شکل روابط، آرایش اتحادها و ائتلاف‌ها و انعطاف بازیگران بیشتر از قبل می‌شود (Cengiz, 2020: 56). در این وضعیت عوامل خارجی از جمله نگرانی‌های مربوط به نقش جهانی آمریکا و چین در تغییر پویایی‌های منطقه‌ای شناسایی می‌گردد. کاهش نقش هژمونیک آمریکا و ظهور اقتصادی چین به عنوان بازیگر مؤثر در نظام بین‌الملل، ساختار نظام را دستخوش تحول کرده است. در واقع با چنین تحول ساختاری، توزیع توانمندی‌ها تغییر کرده و رفتار واحدها در حال تغییر است و آرایش‌های جدیدی شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است.

در چارچوب تحولات نظم بین‌الملل رویکرد بازیگران بزرگ و قدرت‌های میانه در نظام تحت تأثیر قرار گرفته است، ایران نیز یکی از قدرت‌های میانه در سیاست بین‌الملل است که سیاست خارجی آن متأثر از فضای تغییرات ساختاری نظام بین‌الملل است؛ بنابراین گزاره «توزیع توانمندی و آرایش جدید» در سیستم می‌تواند جعبه ابزار مفیدی برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. در واقع ایران با درک تغییر توانمندی و آرایش جدید مؤلفه‌های نظم بین‌المللی

سیاست خارجی خود را متناسب با تغییرات جدید بازتنظیم می‌کند تا زمینه ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در حال وقوع ناشی از تغییرات ساختاری را کاهش دهد.



تصویر-۱. چارچوب مفهومی پژوهش

### ۳- بازآرایی سیستم بین‌الملل از تک قطبی به چندقطبی

نظم جهانی در شش قرن اخیر، شانزده مرتبه تغییر در سطح جهانی و منطقه‌ای را تجربه کرده است. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، انگلستان به عنوان هژمون نظام جهانی معیارهای موردنظر خود را در عرصه جهانی پیش برد. با این حال، پس از جنگ جهانی دوم، نظام بین‌الملل سه دوره تغییر در بازآرایی نظام را تجربه کرده است. در ادامه سه دوره مذکور مورد بررسی قرار خواهد گرفت (Allison, 2017).

#### ۳-۱- نظم بین‌المللی در دوره جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱)

نظام بین‌الملل معاصر با سلطه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و رقابت و تنش آن با اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی چالش‌های جدی در بخش اقتصاد جهانی سرمایه‌داری برای سلطه اقتصادی آمریکا ایجاد نکرد. با این وجود توانمندی

نظامی به‌ویژه در حوزه هسته‌ای به اتحاد جماهیر شوروی قابلیت تقابل امنیتی با آمریکا را ارائه کرد که منجر به موازنه دوقطبی قدرت در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شد (Ikenberry, 2008). نتیجه جنگ سرد خصومت‌های آشکار و درگیری‌های جزئی بود؛ اما احتمال «نابودی حتمی طرفین»<sup>۱</sup> در صورت وقوع جنگ مستقیم، هر یک از ابرقدرت‌ها را از رفتار تهاجمی تر علیه دیگری بازداشت و از وقوع درگیری بزرگ میان دو ابر قدرت جلوگیری کرد. در این بازه زمانی، نظم جهانی در چارچوب تقابل ارزش‌های لیبرالستی در برابر ارزش‌های کمونیستی تعریف می‌شد. ایالات متحده به‌عنوان رهبر جهان غرب در کنفرانس برتن وودز<sup>۲</sup>، نهادهای همچون صندوق بین‌المللی پول<sup>۳</sup> و گروه بانک جهانی<sup>۴</sup> را برای نفوذ خود در حوزه مالی و پولی جهانی تأسیس کرد و با پی‌ریزی سیستم پولی مبتنی بر دلار، زمینه تقویت و توسعه نظم لیبرال را فراهم کرد. در راستای تقویت نظم لیبرال؛ نهادهای سیاسی، امنیتی و تجاری همچون سازمان ملل متحد و شورای امنیت و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۵</sup> (سازمان تجارت جهانی ۱۹۹۵)، مسیر روندهای جهانی و متغیرهای تشکیل‌دهنده نظم را هدایت کردند (Mearsheimer, 2019: 8-21). در مقابل الگوی لیبرال، اتحاد جماهیر شوروی تلاش کرد تا در چارچوب اصول کمونیستی نفوذ خود را در عرصه جنگ سرد افزایش دهد.

### ۳-۲- نظم تک‌قطبی آمریکامحور (۱۹۹۱-۲۰۰۸)

پس از ۱۹۹۱ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظم جهانی دوقطبی به نظم جهانی تک‌قطبی با یک‌تازی جهان غرب به رهبری آمریکا برتری پیدا کرد و واشینگتن وارد عصر «تسلط هژمونیک» شد. بر همین اساس؛ آمریکا از ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۷ به‌عنوان قدرت فائقه نظم جهانی خود را تثبیت کرد. پس از ۱۹۹۱ کشورهای بیشتری جذب و ادغام در سیستم لیبرال آمریکا شده و نهادهای چندجانبه همانند گروه هفت<sup>۶</sup>، ناتو و اتحادیه اروپا در همسویی با آمریکا، اصول موردنظر آن را پیش بردند (Peoples, 2024: 3-22). آمریکا با پشتوانه اقتصادی و نظامی و ارزش‌های فرهنگی لیبرال استیلای خود را به دیگر کشورهای جهان تحمیل کرد. به بیان دقیق‌تر از سال ۱۹۹۱، آمریکا رهبری خود را با پیشبرد مکانیسم‌های بازار آزاد، تجارت آزاد بین‌الملل، نهادهای چندجانبه،

<sup>۱</sup> Mutually Assured Destruction (MAD)

<sup>۲</sup> Bretton-Woods Conference.

<sup>۳</sup> International Monetary Fund

<sup>۴</sup> World Bank

<sup>۵</sup> General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

<sup>۶</sup> Group of Seven (G7)

قواعدسازی، توسعه حکمرانی دموکراسی و هنجارهای حقوق بشر نظم موردنظر خود را با استانداردهای دوگانه و ناعادلانه بین کشورهای مختلف در جهان پیش برد که تحت عنوان «نظم بین‌المللی لیبرال»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود (Allison, 2017: 133-138).

### ۳-۳- نظم چندقطبی جدید

شواهد متعدد حاکی از آن است که اکنون دوره‌ی سلطه آمریکا رو به افول است. به دیگر سخن؛ آمریکا به مرحله افول هژمونی شبیه قدرت‌های هژمون پیشین خود (هلند اواسط تا اواخر قرن ۱۷، فرانسه اواخر قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۱۸، بریتانیا قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم) وارد شده است (Allison, 2017). چرخه افول هژمونی آمریکا با جنگ‌های طولانی در افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) آغاز گشت، با بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و رکود بزرگ اقتصادی ناشی از آن و پس از سال ۲۰۱۱ با مداخله در سوریه، یمن، لبنان، سودان، سومالی و لیبی مسیر افول هموار شد. در این راستا، جان مرشایمر<sup>۲</sup> «افزایش هزینه‌های راهبردی کلان ناشی از مداخله آمریکا در بحران‌های منطقه‌ای بی‌پایان را دلیل اساسی گرفتار شدن آمریکا در چرخه افول می‌داند» (Mearsheimer, 2019: 9). بر مبنای استدلال وی، ساختار سیستم بین‌الملل از «تک‌قطبی به چندقطبی» با حضور چین، روسیه و دیگر قدرت‌های در حال ظهور گذر کرده است (Jiggins, 2023: 1-3).

اکنون جایگاه آمریکا از ابرقدرت هژمون و نظم‌ساز به قدرت بزرگ جهانی بواسطه کاهش توان اجماع‌سازی بین‌المللی، تقویت اقدامات ضد نهادی توسط دولت‌های چالشگر نظم موجود، انفعال در برابر روندهای اقتصادی و سیاسی - امنیتی در حال ظهور و انفعال در پرونده‌های مهم بین‌المللی مؤثر بر توازن قوا، تغییر یافته است. تغییری که جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی - نظامی و فرهنگی دارد و به سمت نظم چندقطبی گرایش یافته است (Ajrlo, 2021: 103-106). به چند دلیل نظم تک‌قطبی دیگر کارآرایی گذشته را ندارد؛ نخست، نهادها و قوانین منشعب شده و ترویج کننده نظم لیبرال دیگر توانمندی گذشته را ندارند، دوم، نفوذ جهانی غرب با عدم مشروعیت، مقبولیت و اثرگذاری مواجه شده است و سوم، بازیگران جدید، بلوک‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، سایبری، دیجیتال، فناوری در جهان در حال ظهورند که خواهان گسترش حوزه نفوذ خود در نظم جهانی جدید می‌باشند (Lewis, 2021: 3-4).

<sup>۱</sup> Liberal international order

<sup>۲</sup> John Mearsheimer

از این رو می‌توان گفت؛ مرکز ثقل اقتصادی فراآتلانتیک در حال حرکت به سمت آسیا است که به ظهور چین در یک شبکه‌ی اقتصادی-تجاری و به هم پیوسته کمک می‌کند. به بیان دقیق‌تر؛ در حالی که آمریکا همچنان قدرت نظامی اصلی است، نفوذ سیاسی، اقتصادی و فناوری به سمت شرق به ویژه کشورهای چین و هند گسیل شده است (Ashford & Cooper, 2023: 4). این امر موجب شده است آمریکا در کنار چین، روسیه، هند، اتحادیه اروپا و ژاپن به عنوان بازیگران اصلی به کشگری پرداخته و قدرت‌های متوسط همچون جمهوری اسلامی ایران، کره جنوبی، برزیل، مکزیک و آفریقای جنوبی به نقش پر اهمیتی در مسائل جهانی دست یابند (Larson, 2024: 12). در وضعیت جدید، چین در پی نفوذ و تقویت جایگاه در نهادهای فعلی نظم جهانی (صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی) است و تقویت بلوک‌بندی موازی (از طریق بریکس<sup>۱</sup> و سازمان همکاری شانگهای<sup>۲</sup> در بخش سیاسی و از طریق تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا<sup>۳</sup>، بانک توسعه جدید<sup>۴</sup> و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای<sup>۵</sup>)، نفوذ در آفریقا، غرب آسیا، آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین و آسیای جنوبی را نیز دنبال می‌کند. نظم اقتصادی جهان از سه قطب آمریکا، چین و اتحادیه اروپا تشکیل شده، اما جهان از نظر ساختار سیاسی و نظامی پیچیده‌تر است؛ دوقطبی چینی-آمریکایی در ساختار سیاسی در حال ظهور است، قطب نظامی مهمی همانند روسیه وجود دارد و قدرت‌های اقتصادی منطقه‌ای همانند ژاپن، ترکیه، برزیل وجود دارند که به دنبال نفوذ در ساختار قدرت سیاسی جهانی هستند. اتحادیه اروپا وزن اقتصادی قوی در نظم دارد، اما از لحاظ سیاسی دنباله‌رو آمریکا است و در تلاش برای بروز توانمندی قدرت اقتصادی و نفوذ ژئوپلیتیک است، بازیگرانی همچون کره جنوبی، استرالیا، آفریقای جنوبی، اندونزی و مکزیک در صدد مطرح شدن به عنوان قدرت اقتصادی و سیاسی جدید هستند (Peters, 2023: 1658-1661). از ویژگی‌های نظم چندقطبی وجود همکاری‌های، توسعه نهادها و ائتلاف‌های جدید است و بازیگران به صورت موقت اقدام به نوعی همکاری انتخابی و تصادفی می‌کنند. به عنوان مثال هند اکنون در ائتلاف بریکس و شانگهای به رهبری چین و کواد<sup>۶</sup> به رهبری آمریکا حضور دارد.

<sup>۱</sup> BRICS<sup>۲</sup> Shanghai Cooperation Organization (SCO)<sup>۳</sup> Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)<sup>۴</sup> New Development Bank (NDB)<sup>۵</sup> Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)<sup>۶</sup> Quad

#### ۴- پیامدهای تحول در نظم بین‌الملل آمریکا محور

همان‌گونه که اشاره شد؛ هژمونی آمریکا در عصر جدید، در حال فروپاشی است که موجب شده این کشور جایگاه قدرت برتر خود در نظام جهانی را از دست بدهد. بر این اساس، جهان وارد عصر جدیدی شده که در آن آمریکا تنها قدرت فائقه نیست (Grosse & et al, 2021: 4). حوزه‌های تغییر در نظام بین‌الملل، نحوه اقدام و رفتار دولت‌های مختلف بازتعریف شده است. از این رو؛ اصول، معیارها، آرایش جدید، بازیگران جدید و حوزه‌های تعارض جدیدی در حال ظهور هستند که در ادامه تلاش شده است مهم‌ترین آن‌ها تشریح شود.

##### ۴-۱- بازآرایی در بنیادهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل

بنیادهای اقتصادی نظم جهانی تک‌قطبی پس از جنگ دوم توسط ایالات متحده آمریکا و شرکای آن پی‌ریزی شد. نهادهای چندجانبه مالی و تجاری همانند صندوق بین‌المللی پول، گروه بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (گات سابق) بر مبنای اصول لیبرال نظم جهانی را سازمان‌دهی و تثبیت نمودند. این نهادها پس از جنگ جهانی دوم تا دهه اول قرن بیست و یکم به‌عنوان بازوی اصلی آمریکا سلطه سیاسی و اقتصادی این کشور را هموار کردند. ساماندهی روندهای اقتصادی و تجاری جهان به وسیله این نهادها تحت عنوان معماری نظم مالی و تجاری بین‌الملل شناخته می‌شود. اکنون حوزه اقتصادی و تجاری نسبت به سایر حوزه‌های تشکیل‌دهنده قدرت در نظام بین‌الملل تحولات شتابانی را تجربه کرده و تأثیرات آن شگرف و غیرقابل‌انکار است. نهادهای مذکور از جمله صندوق بین‌المللی پول، گروه بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی به‌عنوان محور تثبیت نظم جهانی دیگر کارآمدی گذشته را ندارند و به‌موازات آن‌ها نهادهای تأسیس شده که معماری نظم مالی و تجاری را با چالش مواجه کرده است (Parrat, 2018: 17). به‌عنوان مثال بیرون از حوزه نفوذ نظم لیبرال، رژیم‌های تجاری همانند مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای و گسترش توافقات تجاری منطقه‌ای ایجاد شده و سازمان تجارت جهانی به دلیل سیاست‌های مختل‌کننده از کارایی لازم برخوردار نیست، گروه ۲۰<sup>۱</sup> به‌موازات گروه ۷<sup>۲</sup> و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا به‌موازات بانک جهانی تأسیس شده است. سیستم دلار کارایی گذشته را ندارد و رویه‌های موازی با رویه‌های نهادهای غربی به وجود آمده است. به‌عنوان مثال، رویه‌های وام‌های مشروط بانک جهانی با رقیب

<sup>۱</sup> G20

<sup>۲</sup> G7

مهم وام‌های بدون شرط قدرت‌های نوظهور به‌ویژه چین مواجه است و پیمان‌های پولی دوجانبه دولت‌ها برای جایگزینی دلار آغاز شده است (Kim & Kim, 2023: 1218-1222). همچنین موافقت‌نامه‌های ارزی دوجانبه توسط برخی کشورها جایگزین معاملات دلاری شده است، به‌عنوان مثال تا پایان سال ۲۰۲۴، چین با ۴۲ کشور و منطقه توافق‌نامه مبادله ارزی امضا کرده است که حجم مبادله آن ۴۲ هزار میلیارد یوآن است (Jargad & Kirit Javali, 2025). در ۱۶ آوریل ۲۰۲۵، حجم تراکنش روزانه CIPS به ۱۲٫۸ تریلیون یوان رسید و برای نخستین بار از رکورد روزانه SWIFT (حدود ۱۱٫۳ تریلیون یوآن) پیشی گرفت. این نشانه ورود یوان به مرحله‌ای تازه در استفاده بین‌المللی برای تسویه پرداخت‌های فرامرزی است. یوان به ارز برتر در ۷۰ درصد تجارت کشورهای بریکس تبدیل شده است (Baker, 2025). در ۷ آوریل ۲۰۲۵، چین اعلام کرد که پروژه «پل ارز دیجیتال» به‌طور کامل با ده کشور آسه آن و شش کشور خاورمیانه متصل خواهد شد (Chu & et al, 2025). این موارد شتاب گرفتن بین‌المللی شدن یوان را نشان می‌دهد و نشان از ایجاد رویه‌های مالی و پولی بیرون از مجرای دلار دارد. متعاقب تحولات در حال شکل‌گیری در بنیادهای اقتصاد سیاسی، توزیع قدرت نیز در حال شکل‌گیری است و توجه به قاره آسیایی به‌ویژه از بعد اقتصادی در نظم جدید بیشتر شده است.

## ۴-۲- بازآرایی در حوزه قدرت فناوری جهانی

در وضعیت کنونی نظم جدید بین‌المللی<sup>۱</sup>، حامیان نظم از جمله آمریکا و شرکای آن (اتحادیه اروپا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، جی ۷، ناتو) و بازیگران در حال ظهور شامل؛ چین، روسیه، برزیل، هند و... به دنبال ایجاد مکانیسم‌های مؤثر خود را در بخش‌های جدید نظم جهانی همچون بخش فناوری هستند (Liu, 2024: 426). به‌عنوان مثال هر کدام از دولت‌های قدرتمند جهانی و منطقه‌ای در تلاش برای اقدام مؤثر جهت کنترل فضای سایبری و تدوین قوانین متناسب در این حوزه هستند؛ چین و روسیه برای قواعدسازی مدنظر خود در چارچوب حاکمیت سایبری تلاش می‌کنند، در صورتی که حامیان نظم لیبرال در تلاش برای ایجاد مکانیسم‌های در چارچوب ارزش‌های لیبرال-دمکراسی هستند؛ بنابراین رقابت در عرصه فناوری رایانش ابری، هوش مصنوعی، دیجیتال و شبکه 5G بین چین و آمریکا در حال افزایش است (Xuetong, 2019). واشینگتن در تلاش است تا با

<sup>1</sup> New World Order

همکاری شرکا، نظم دیجیتال را بر مبنای ارزش‌های لیبرال تعریف کند، این درحالی است که در زمان کاهش برتری آمریکا، رقابیی همانند چین و روسیه در پی آن هستند تا با کنترل اطلاعات، فناوری‌های نظارتی و استانداردهای حاکمیتی رویه‌های خود را که تحت عنوان «اقتدارگرایی دیجیتال» شناخته می‌شود در نظم دیجیتال پیاده کنند (Nye, 2023). رقابت در عرصه فناوری بین دو کشور وارد عمل شده است آمریکا در ابعاد سخت استفاده از هوش مصنوعی شامل توجه به تجارت و اقتصاد و عرصه نظامی و تحریم‌های سخت‌افزاری در صنعت تراشه و نیمه‌رسانا علیه چین است و در حوزه نرم به دنبال نشان ضعف رهبری چین و جلوگیری از کسب اعتبار بین‌المللی این کشور است؛ اما چین عرصه سخت مرتبط با هوش مصنوعی بر شهرسازی، ساخت شهرهای هوشمند، امور پزشکی و تقویت ارتش خلق چین متمرکز است و در عرصه نرم نیز شبکه‌سازی برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف از جمله در آسیا و نشان دادن خود به عنوان گفتمان‌ساز در عرصه هوش مصنوعی را مدنظر قرار داده است (Torki, 2024: 91). در راستای رقابت فوق، در جولای ۲۰۲۲، «قانون تراشه‌ها»<sup>۱</sup> با هدف تشویق تحقیقات، طراحی و ساخت ریزتراشه‌ها در خاک آمریکا تصویب شد. صد و هفدهمین کنگره آمریکا «قانون تراشه و علم»<sup>۲</sup> را تصویب کرد و توسط جو بایدن در ۹ آگوست ۲۰۲۲ به قانون تبدیل شد (C.Allen, 2023). طبق فرمان آگوست ۲۰۲۳ جو بایدن «سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در شرکت‌های چینی را در سه بخش: نیمه‌رساناها و میکروالکترونیک، فناوری‌های کوانتومی و سیستم‌های هوش مصنوعی خاص ممنوع یا محدود کرد» (Biden, 2023a). بایدن، در نامه‌ای به کنگره اعلام کرد که برای مقابله با تهدید پیشرفت کشورهایی مانند چین «در فناوری‌های حساس و محصولات حیاتی برای ارتش، اطلاعات، نظارت یا قابلیت‌های سایبری» وضعیت اضطراری ملی اعلام می‌کند در مقابل محدودیت‌های آمریکا، تلاش چین برای خودکفایی در حوزه فناوری آغاز شده است و مشوق‌های را برای توسعه این صنعت در داخل ارائه داده است (Biden, 2023 b). هووآی در اوایل سپتامبر ۲۰۲۳، گوشی هوشمند میت ۶۰ پرو را با تراشه‌های داخلی معرفی کرد. همچنین، پکن قصد دارد سومین صندوق سرمایه‌گذاری در صنعت تراشه را به ارزش ۳۰۰ میلیارد یوان (۴۱ میلیارد دلار) راه اندازی کند. اولین صندوق در سال ۲۰۱۴ با ارزش ۱۳۸٫۷ میلیارد یوان (۱۹ میلیارد دلار) و دومین در سال ۲۰۱۹ با ارزش ۲۰۰ میلیارد یوان (۲۷

<sup>۱</sup> CHIPS Act

<sup>۲</sup> CHIPS and Science Act

میلیارد دلار) راه‌اندازی شدند (Reuters, 2023). شورای دولتی چین در اواخر آگوست ۲۰۲۳، طرح مشترک مرکز فناوری جنوبی شنژن و منطقه اداری ویژه هنگ کنگ را برای پیشبرد توسعه نوآوری فناوری منتشر کرد (CGTN, 2023). بنابراین چین به‌عنوان پیشرو در هوش مصنوعی در حوزه صنعت و اقتصاد، پیشرو و بزرگ‌ترین بازار نیمه‌هادی‌ها در جهان، پیشرو در سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های نوظهور مطرح شده است (Bagheri Dolatabadi, 2025: 100-101) و به دنبال بازتعریف زنجیره همکاری فناوری با دولت‌های جنوب جهانی است.

#### ۴-۳- توزیع توانمندی، آرایش جدید و ظهور ائتلاف‌های جدید

در ساختار جدید نظم جهانی، توزیع توانمندی در سیستم بین‌الملل اتفاق افتاده و به موازات آن اتحاد و ائتلاف‌های جدیدی ظهور یافته است. آمریکا برای بازیابی جایگاه هژمون خود ائتلاف‌های همانند کواد<sup>۱</sup>، آکوس<sup>۲</sup>، گروه I2U2<sup>۳</sup>، صلح ابراهیم<sup>۴</sup>، فعال نمودن و بازبینی ائتلاف پنج چشم<sup>۵</sup> را سازمان‌دهی کرده است (Park, 2025: 3-9). متعاقب چین و آمریکا کشورهای بزرگ و کوچک منطقه‌ای وارد سازمان‌ها و ائتلاف‌های جدید شده‌اند. رژیم صهیونیستی طرح عادی‌سازی و ائتلاف-سازی منطقه‌ای را در پیش گرفته، ترکیه نیز در آسیا مرکزی و قفقاز به دنبال ائتلاف‌سازی است (Soliman, 2021)، ایران به دنبال تقویت و ایجاد ائتلاف موسوم به محور مقاومت است. در چنین فضای که بازیگران در صدد ایجاد نهادسازی، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و جهانی و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای هستند و فضای جدیدی از رژیم‌سازی و آرایش جدید در حال شکل‌گیری است. دولت‌ها در نظم جدید به دنبال شرکای جدید هستند و در چارچوب ائتلاف‌های جدید اقدام به انتخاب می‌کنند. جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ محدودیت‌های برتری نظم بین‌المللی آمریکا محور را بیش از گذشته در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی نشان داد. هویدا شدن محدودیت قدرت نظامی آمریکا در تنگه هرمز، هژمونی پرسود را که دهه‌ها از تجارت در سراسر دنیا بهره برده را به چالش کشید. در این چشم‌انداز اگرچه برتری آمریکا در جهان می‌تواند مداوم داشته باشد، اما بازگشت به هژمونی تجاری که به واسطه تسلط بر خطوط دریایی جهان محقق

<sup>1</sup> Quadrilateral

<sup>2</sup> AUKUS

<sup>3</sup> I2U2 Group

<sup>4</sup> Abraham Accords

<sup>5</sup> Five Eyes

می‌شد، قابل بازیابی نخواهد بود. در چنین شرایطی، دولت‌ها سیاست‌گذاری خود را بازتنظیم خواهند کرد. از یک طرف در حوزه تسویه تجاری، خطوط اعتباری تأمین مالی، سیستم‌های وام‌دهی، سرمایه‌گذاری خارجی و ائتلاف‌های امنیتی-نظامی را بر سیاست موازنه برای «پوشش ریسک‌های احتمالی» استوار خواهد کرد که محور تمرکز آن با دیگر قدرت‌های جهانی همچون چین و قدرت‌های نوظهور برای تثبیت زنجیره ارزش جهانی پایدار خواهد بود (Keshvarian azad, 2026) و از طرف دیگر نظم منطقه‌ای در ابعاد نظامی و سیاسی به سمت ائتلاف‌های جدیدی با نقش آفرینی بیشتر ایران حرکت خواهد کرد. جنگ مذکور، گسست ساختاری میان قدرت نظامی و قدرت سیاسی و اقتصادی را آشکار کرد، حتی اگر آمریکا در برخی اهداف نظامی خود مثل خسارت مالی و تضعیف زنجیره تأمین ادوات نظامی موفق شده باشد، اما تاکنون این دستاورد به مزایای سیاسی و اقتصادی پایدار منتهی نشده و برعکس آن در حال تحقق است (Takahashi, 2026).

#### ۴-۴- برآمدن چین به عنوان کشور تعیین‌کننده بنیادهای نظم جدید

در نظم بین‌الملل جدید سهم قدرت‌های آسیای به‌ویژه چین در اقتصاد و تجارت جهانی افزایش یافته است و قدرت اقتصادی و سیاسی چین با آمریکا رقابت می‌کند. جان مرشایمر، جان ایکنبری و دیگر محققان غربی تهدید اصلی آمریکا و بازیگر اصلی نظم جدید را ظهور چین و تلاش احتمالی آن برای تسلط بر آسیا و اقتصاد بین‌الملل قلمداد می‌کنند (Jiggins, 2023: 1-3). در چنین فضای برخی محققان و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل چین را به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی در نظر می‌گیرند که ظهور آن به توزیع مجدد قدرت جهانی منجر می‌شود (Xuetong, 2019). چین دومین قدرت اقتصادی، اولین صادرکننده و دومین واردکننده با رشد سریع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارائه کمک‌های خارجی است. ظهور چین به‌عنوان مهم‌ترین پدیده اقتصادی و سیاسی قرن بیست و یکم، پیامدهای برای امنیت جهانی، توسعه بین‌المللی، حکمرانی جهانی، حقوق بشر، نظم مالی و تجاری، حکمرانی فناوری، سایبری و دیجیتال خواهد داشت (Blanchette & Hillman, 2020: 3). نفوذ چین در بازارهای مالی و تولیدات بین‌المللی، در مونتاژ و توسعه فناوری و رهبری رو به رشد در مسائلی بانکی بین‌المللی مشهود است. چین همچنین از طریق مؤسسات جدیدی همانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، بانک توسعه جدید<sup>۱</sup> بریکس، مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای و

<sup>۱</sup> New Development Bank (NDB)

ابتکار کمربند- راه به دنبال جایگاه در رهبری جهانی است (Nye, 2023). علاوه بر این، چین در شکل دادن سایر ارکان در حال ظهور نظم همانند نظم دیجیتال، نظم سایبری، نظم سلامت به عنوان کشور پیشرو مطرح است. بسیاری از کشورها در جهان همانند روسیه، بلاروس، کشورهای آسیای مرکزی، برخی کشورهای آمریکای لاتین، غرب آسیا و آسیای جنوبی از نظم سازی مورد نظر چین رضایت دارند و برخی از معیارهای آن را در این حوزه در عمل پیاده نموده اند. پروژه زیرساخت دیجیتال چین ذیل ابتکار «جاده ابریشم دیجیتال»<sup>۱</sup> و پروژه سلامت آن ذیل ابتکار «جاده ابریشم سلامت»<sup>۲</sup> با معیارهای چینی در حال پیشرفت هستند (Patil & Gupta, 2024). به عنوان نمونه، هوآوی کابل فیبر نوری ۸۲۰ کیلومتری را طی دو سال با قیمت ناچیز ۴۴ میلیون دلار در پاکستان راه اندازی کرد و در بخش سلامت جهانی نهادهای همکاری را با کشورهای در حال توسعه در منطقه منا، آفریقا و آسیای جنوبی تأسیس نموده است (Calabrese, 2022: 2-3). علاوه بر این، چین با مشارکت در ائتلاف های سیاسی و امنیتی بین المللی، سازمان های بین المللی، نهادهای اقتصادی و مشارکت دو و چند جانبه با دولت ها حوزه نفوذ سیاسی خود را گسترش داده است.

#### ۴-۵- راهبرد آمریکا برای بازیابی نظم

در وضعیت گذار نظم، آمریکا برای بازیابی جایگاه مسلط پیشین خود، جلوگیری از شکل گیری نظم جدید و بلوک بندی و ائتلاف های منشعب از آن، راهبردهای کلانی را اتخاذ نموده است؛ راهبرد مهار<sup>۳</sup>، ائتلاف سازی امنیتی و اقتصادی علیه رقبا، جنگ اقتصادی و تحریم علیه کشورهای بلوک جدید نظم جهانی یعنی جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه، امنیتی سازی، جنگ های فرسایشی با استفاده از نیروهای نیابتی و ناآرامی و آشفتگی داخلی مهم ترین طرح های کلان آمریکا در نظم جدید است (Desch, 2025). به عنوان نمونه، جنگ نیابتی با روسیه در اوکراین، امنیتی سازی مسئله تایوان، تبت و سین کیانگ چین و تبدیل آن به آشوب، جنگ نیابتی با رژیم صهیونیستی با محور مقاومت مهم ترین اقدامات آمریکا جهت درگیر کردن رقبا در جنگ است، همچنین نمونهی ائتلاف های امنیتی؛ توسعه پایگاه های نظامی اطراف چین (فیلیپین، کره جنوبی، ژاپن و گوام)، ائتلاف کواد و آکوس است. واشینگتن برای بازیابی قدرت، اقدامات خود را با شرکای غربی پیش می برد.

<sup>۱</sup> Digital Silk Road

<sup>۲</sup> Health Silk Road

<sup>۳</sup> Containment Strategy

همچنین جنگ آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۲۶ نیز در ادامه راهبرد بازیابی هژمونی صورت پذیرفت. در این راستا، هر اقدامی که افول هژمونی آمریکا را تسریع بخشد و به بازیابی هژمونی آن لطمه وارد کند با واکنش ایالات متحده آمریکا روبه‌رو خواهد شد. ایران به‌عنوان بازیگری که از ابتدای انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظم آمریکا محور در غرب آسیا بوده و بر استقلال سیاسی و راهبردی تأکید کرده است، در مرکز این تقابل آمریکا قرار دارد، ایران به دلیل سازمان‌دهی شبکه‌های غیردولتی مقاومت، ایجاد شرایط برای نظم جایگزین، تسریع در رویه‌ها و فرآیندهای چندجانبه‌گرایی در برابر ترتیبات مطلوب آمریکا به یک چالش راهبردی تبدیل شده است (Gökay & Hamourtziadou, 2026: 4-7)؛ بنابراین از منظر آمریکا برای جلوگیری از فرآیند افول و بازیابی هژمونی مقابله با جمهوری اسلامی ایران ضروری است.

#### ۶-۴- افزایش تنش ژئوپلیتیکی و ژئوکنومیکی

بی‌ثباتی و درگیری در جهان در حال افزایش است. انتقال از یک سیستم تک‌قطبی به یک سیستم چندقطبی نوسانات و عدم قطعیت ایجاد کرده است. تزلزل ارکان نظم، بازآرایی و آرایش جدید بازیگران در سیستم بین‌المللی، موجب بحران‌های گسترده‌ای در شرق اروپا و غرب روسیه، غرب آسیا، بحران‌های در حال ظهور در تایوان و دریای چین جنوبی گشته است. شوک‌های خارجی ناشی از آشفتگی ژئواستراتژیک، اختلال در زنجیره تأمین جهانی، انقباض در تجارت جهانی، اختلاف بر روی مسائل جاری بین‌المللی، مداخله اقتصادی و حمایت‌گرایی دولتی از دیگر پیامدهای بازآرایی نظم است. افزایش نظامی‌سازی، گسل‌های جدید اقتصادی و تشدید جنگ‌های سایبری نیز در فضای جدید نظم وجود دارد (Cirillo & et al, 2021: 11-18). از بعد ژئوکنومیک بازآرایی نظم جهانی پس جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران آشکارتر شد. اکنون که تداوم یا زوال دلار آمریکا به‌مثابه پول بین‌المللی فراگیر، قانون اصلی آینده حفظ نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل است و تداوم نقش مسلط آمریکا برای مهار چین و عملیاتی شدن سیاست «اول آمریکای» ترامپ به هژمونی دلار مرتبط است، «انسداد تنگه هرمز» و ارجاع کانال امن تجاری به «پترو یوآن»<sup>۱</sup> مسیر شکل‌گیری نظام پولی متکثر و چند ارزی در کنار دلار است (Pesek, 2026) که بسیار برای آینده نظم لیبرال آمریکایی «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» دارد.

<sup>۱</sup> Petroyuan

از جنبه استراتژیک اقدام ایران و شرط استفاده از تسویه انرژی با یوآن «پترو یوآن» برای عبور ترانزیت در تنگه هرمز هدف قرار دادن پیمان برتن وودز ۱۹۴۴، قرارداد پترو دلار آمریکا با عربستان اوپک در ۱۹۷۴، زیربنای سلطه مالی و پولی فدرال رزور در جهان و لطمه به هیمنه چرخه دلار است. از این منظر در جنگ کنونی، آمریکا به هیچ عنوان انسداد تنگه هرمز را برنمی تابد و به هر طریقی (تصرف جزایر، محاصره دریایی، مذاکره و سایر روش ها) در پی عبور از این وضعیت خواهد بود. مضافاً تجارت چین با کشورهای غرب آسیا در سال ۲۰۲۴، ۳۱۷ میلیارد دلار بود و از سال ۲۰۰۵ تاکنون ۲۶۹ میلیارد دلار هزینه سرمایه گذاری و قراردادهای عمرانی چین در منطقه مذکور است (Trademap, 2026)، این بدین معناست که «قدرت نقد شونگی یوآن» به دلیل پشتوانه تجاری در منطقه بالا است و اگر جنگ مسیر مالی منطقه را به سمت یوآنی کردن هدایت کند، زمینه ضربه به هیمنه دلار وجود خواهد داشت. با این وجود در صورت تداوم انسداد تنگه هرمز کشورهای منطقه برای پوشش ریسک بر روی تجارت یوآنی نیز برنامه ریزی خواهند کرد. این نشان می دهد که جنگ علیه ایران بازآرایی ژئواکونومیک در نظم بین المللی آمریکا محور را تسریع کرده است.

## ۵- راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در عصر بازآرایی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت مستقل و پیشرو در سطح منطقه ای و یکی از عوامل مهم افول هژمونی جهانی آمریکا و گذار به نظم بین المللی جدید، برای آینده قابل پیش بینی با دو واقعیت راهبردی قدرت های نوظهور و غرب در حال افول روبه رو است؛ از این رو، راهبرد مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای تحولات نظم بین المللی آمریکا محور، گذار و بازآرایی صورت گرفته در درون نظم بین المللی در وهله اول حفظ استقلال راهبردی خود در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای و دوم ترویج و پیگیری نظم چندقطبی همراه با تعامل با قدرت های نوظهور همانند چین، هند و روسیه برای ایجاد توازن در برابر غرب است. در ذیل مهم ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در عصر بازآرایی قدرت توضیح داده خواهد شد.

## ۵-۱- برنامه‌ریزی مشخص جهت حضور مؤثر در تمام ارکان در حال تحول نظم بین‌الملل

با توجه به ارکان متعدد در حال تحول نظم جهانی، لازم است، برنامه‌ریزی مشخص در عرصه سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، نهادهای بین‌المللی، فناوری، سایبری، دیجیتال ارائه گردد و رویکرد سیاست خارجی را در هر حوزه به صورت مجزا و مشخص تعیین شود. در فرآیندهای تغییر نظم (نظم جدید) متغیرهای متعددی در عرصه اقتصادی (نهادهای پولی، مالی، ائتلاف‌های اقتصادی، کریدورهای اقتصادی)، عرصه اجتماعی- فرهنگی (مدل مطلوب همکاری، گسترش زیرساخت‌های فرهنگی، محیط‌زیست، بهداشت و سلامت جهانی) و عرصه سیاسی- امنیتی (ائتلاف‌های نظامی، راهبردهای نوین نظامی، دیپلماسی دفاعی و...) دستخوش تحولات شده‌اند (Dehghani, 2024: 18-20). لازم است برای هر مؤلفه و ارکان در حال تحول، نظم جهانی جدید برنامه‌ریزی مشخصی صورت گیرد تا ضمن گریز از آسیب‌پذیری احتمالی، زمینه‌های اثرگذاری در هر بخش برنامه‌ریزی شود. برای جهت‌دهی به مسیر جدید نظم جهانی و کنشگری در فرآیندهای تغییر نظم برنامه‌ی جامع و دقیق برای ارکان اقتصادی، سیاسی، نظامی و فناوری انجام گیرد. به عنوان مثال برای نقش‌آفرینی در فرآیند و رویه‌های تغییرات رکن اقتصادی نظم بین‌المللی جدید حضور مؤثر در نهادهای اقتصادی و تجاری غیر غربی داشته باشد، سازوکارهای مالی و پولی موازی با سلطه دلار را در جهان تقویت نماید و زنجیره تأمین تجاری آسیا محور را با کمک قدرت- های نوظهور و همسو دنبال کند.

## ۵-۲- پیشبرد رویکرد نگاه به شرق

بر مبنای تحولات در حال شکل‌گیری نظام بین‌الملل و ظهور کشورهای شرقی در حوزه اقتصادی، سیاسی و نهادی در کنار رویکرد فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی تشدید شونده غرب علیه ایران سیاست نگاه به شرق، دارای دستاورد مثبت برد- برد برای ایران و کشورهای شرقی است. درواقع بر اساس تحولات در حال ظهور در نظم جهانی، رویکرد نگاه به شرق به «ضرورت راهبردی» برای سیاست خارجی ایران تبدیل شده است (Bagheri Dolatabadi and Taghvaeipoor, 2024: 117-119). عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، گروه بریکس، بانک سرمایه- گذاری زیرساخت آسیا و برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین به عنوان هسته رویکرد

نگاه به شرق تلقی شده است که گام به گام زمینه جانمایی درست در نظم در حال ظهور شرقی را فراهم می‌نماید (Antony, 2023: 672). پیشبرد و فعال‌سازی رویکرد نگاه به شرق می‌تواند راهگشای تعمیق روابط با چین و نهادهای در حال ظهور شرقی باشد. این رویکرد از آنجا اهمیت دارد که در صورت انتفاع اقتصادی ایران از رویکرد نگاه به شرق، سیاست طرف‌های غربی نسبت به ایران تعدیل می‌شود و مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها هموارتر خواهد شد. به صورت کلی «رویکرد نگاه به شرق» به‌عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی ایران مطرح است که دورنمایی ژئواکونومیک اوراسیا، غرب آسیا و آسیای جنوبی را تقویت می‌کند و هدف آن تقویت مزیت استراتژیک ایران، بهره‌برداری از ظرفیت‌های توسعه اقتصادی شرق و افزایش حداکثری توان و تاب‌آوری در برابر فشارهای غرب است. رویکرد نگاه به شرق از کلان راهبردهای سیاست خارجی ایران در دهه اخیر است و ظهور قدرت‌های شرقی از مهم‌ترین دلایل گذار از نظم بین‌المللی آمریکا محور است. از این‌رو، تقویت رویکرد نگاه به شرق در عصر گذار از نظم بین‌المللی آمریکا محور بهتر می‌تواند اهداف جمهوری اسلامی ایران را برآورده کند.

### ۵-۳- راهبرد مصون‌سازی و منعطف‌سازی در سیاست خارجی

چنانچه گفته شد در فرآیند توزیع توانمندی‌ها و آرایش بازیگران جدید، ائتلاف‌ها و اتحادهای چندجانبه و دوجانبه در حال دگرگونی است. ائتلاف‌ها اغلب شبکه‌ای، پیچیده، آشفته و موقت هستند، در چنین شرایطی راهبرد سیاست خارجی منعطف‌گزینه بهینه است. اغلب بازیگران با قدرت متوسط در وضعیت کنونی بازآرایی نظم رویکرد منعطفی را در سیاست خارجی اتخاذ نموده‌اند و از دنباله‌روی قطب پرهیز می‌کنند، به عنوان مثال کره جنوبی، اندونزی، مالزی، ویتنام، مکزیک، برزیل، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ترکیه و برخی دیگر از قدرت‌های متوسط هم‌زمان همکاری با دو قطب قدرت چین و آمریکا و نهادهای غربی و شرقی را در پیش گرفته‌اند. البته برخی از دولت‌های مذکور همچون کره جنوبی، امارات، عربستان سعودی در حوزه نظامی و امنیتی دنباله‌رو آمریکا هستند، اما در حوزه اقتصادی رویکرد منعطف و میانه‌ای را برگزیده‌اند (Muggah, 2024: 2). برای جمهوری اسلامی ایران نیز اتخاذ چنین رویکردی مناسب است. این راهبرد تحت عنوان «مصون‌سازی<sup>۱</sup>» شناخته می‌شود.

<sup>1</sup> Hedging

با اتخاذ راهبرد مصون‌سازی در صورت تنش بالای قدرت‌های بزرگ امکان مدیریت ریسک سیاسی و اقتصادی افزایش می‌یابد. این راهبرد برای کاهش آسیب‌پذیری در وضعیت آشفتگی، شکاف‌ها و تنش‌های غیرقابل‌پیش‌بینی استفاده می‌شود (3: Salameh, 2024). برای جمهوری اسلامی ایران تنوع رابطه، تعادل و توازن با کشورهای مختلف در عصر چندجانبه‌گرایی می‌تواند مؤثر واقع گردد. در این راهبرد ایران به صورت هم‌زمان با حفظ اولویت‌های راهبردی با کشورهای مختلف از جمله همسایه‌ها، قدرت‌های در حال ظهور و در صورت امکان با طیف‌های مختلف قدرت جهانی همکاری کند.

#### ۴-۵. استفاده از بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای

اتخاذ راهبرد «متحد قوی» را از طریق حضور مؤثر در بلوک‌ها و ائتلاف‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در دستور کار قرار دهد. عضویت، حضور پررنگ و مؤثر، تقویت و ایجاد بلوک‌بندی منطقه‌ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی در سطح جهان به‌ویژه کشورهای شرقی مطلوب تهران خواهد بود (Bazooabandi, & et al, 2024). استفاده بهینه و بخشی از پیمان‌های بین‌المللی شکل گرفته و در حال شکل‌گیری همانند شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فعال نمودن ظرفیت‌های بالقوه اکو، گروه دی ۸، اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند (ایورا)<sup>۱</sup> و چنین سازمان‌های جهت عبور از موانعی همانند تحریم می‌تواند مفید باشد.

#### ۵-۵. حمایت از قوانین، هنجارها و استانداردهای جدید

قوانین، نهادها و هنجارهای که در اواسط قرن بیستم در چارچوب معیارهای لیبرال طراحی شده بودند به‌طور گسترده‌ای تحت فشار هنجارها و استانداردهای جدید قرار گرفته‌اند. عرصه جهانی جدیدی از هنجارها و استانداردهای توسط کشورهای آسیای در حال ساخت است که می‌توان برای سازمان‌دهی نظم جدید از آن‌ها حمایت نمود. به عنوان مثال در عرصه سایبری و عرصه دیجیتال قواعد و هنجاری‌های توسط چین و روسیه در حال شکل‌گیری است. این استانداردها و هنجارها در حوزه‌های مالی، پولی، سایبری، دیجیتال در حال تدوین می‌باشند. ایران لازم است که علائق و رویکرد خود را در حوزه‌های مذکور با کشورهای آسیای همسو کند.

<sup>1</sup> Indian Ocean Rim Association (IORA)

## ۶-۵- ائتلاف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

در عصر تغییر نظم و ظهور نظم چندقطبی کشورهای قدرتمند همانند جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان، علی‌رغم توانمندی و نفوذ منطقه‌ای به دلیل عدم پذیرش یکدیگر، رقابت (هویتی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک)، وابستگی ترکیه و عربستان به بلوک غرب و مخالفت سایر قدرت‌ها در منطقه، قادر به پیشبرد مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای به‌تنهایی نیستند و در صورت بروز جنگ هیچ کدام از دولت‌ها قابلیت مقابله و ساماندهی ائتلاف برای عبور از بحران را ندارند؛ بنابراین الگوی ائتلافی با مشارکت همه کشورهای منطقه بهتر می‌تواند اهداف امنیتی دولت‌ها را دنبال کند (Sattar & Rasouli Sani Abadi, 2024: 103-109). پیش‌زمینه چنین الگویی اعتمادسازی از طریق شناسایی اشتراکات در حوزه تهدیدهای امنیتی، کاهش نقش کشورهای فرا منطقه‌ای در مسائل منطقه، طرح‌های اقتصادی و امنیتی مشترک و از همه مهم‌تر کاهش سیاست دنباله‌روی ترکیه و عربستان سعودی از قدرت‌های غربی در نظم منطقه‌ای است.

## ۷-۵- مدیریت ریسک ناشی از تنش و برخورد قدرت‌های بزرگ

تغییرات نظم و ظهور اقتصادی چین منجر به جنگ تجاری آمریکا با چین و اختلال در زنجیره تأمین جهانی شده و عملکرد شرکت‌های چندملیتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سیاست دولت‌های مختلف و... در عرصه اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است، در چنین شرایطی بهتر است، ریسک مرتبط با ظهور چین و تنش آن با آمریکا برای بخش اقتصادی و تجاری در نظر گرفته شود (Mirtorabi and Keshvarian azad, 2025: 24-25). جنگ تجاری و اقتصادی ادامه‌دار واشینگتن و پکن به‌ویژه در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ با اعمال تعرفه‌های جدید بر کالاهای وارداتی از چین به تخریب نظم لیبرال جهانی می‌انجامد و آسیب‌های را برای زنجیره تأمین جهانی به وجود می‌آورد که لازم است، زمینه‌گریز از آسیب‌پذیری آن را برنامه‌ریزی کرد. بر این اساس، لازم است برنامه‌ریزی مناسب و اتخاذ راهبرد درست در جنگ اقتصادی و تجاری قدرت‌های بزرگ در دستور کار قرار گیرد.

## ۸-۵- جانمایی دقیق در زنجیره تأمین منطقه‌ای و جهانی

در فضای تحول قدرت در نظام بین‌الملل زنجیره تأمین جهانی در حال تغییر است؛ یعنی شبکه بنگاه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها در زمینه تولید، تجارت، بازاریابی و توزیع دگرگونی را تجربه

نموده که تحت تأثیر توزیع مجدد قدرت راهبری و حاکمیت کشورها بر ساختارهای ارزش جهانی است. درواقع، زنجیره ارزش جهانی با حضور کشورهای در حال ظهور و همچنین درحال توسعه صرفاً در اشکال غرب محوری بروز ندارد؛ بلکه به گونه‌ای آسیا محور، چین محور و حتی با محور کشورهای درحال توسعه فرآیند جدیدی را تجربه می‌کند (Amiri & Ghafarizadeh, 2024: 11). به‌عنوان مثال در بخش مالی، تجاری، فناوری، کربدورهای اقتصادی زنجیره‌های ارزش بر محور آسیا در حال ظهور و بخش در پهنه‌ی جهانی است، برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت برای حضور مؤثر در زنجیره تأمین در حال تغییر جهانی برای جمهوری اسلامی ایران مهم است.

### ۹-۵- مداخله دولت و حمایت‌گرایی از حوزه‌های پیشرو اقتصادی

یکی از رویکردهای سیاست‌گذاری اقتصادی که دولت‌ها در عصر بازآرایی و افزایش تنش ژئوپلیتیک در پیش گرفته‌اند، افزایش مداخله و حمایت از شرکت‌ها و کسب‌وکارهای بزرگ و پیشرو برای اقتصاد کشورها است. به‌عنوان مثال، آمریکا برای مهار چین و تضعیف نفوذ آن در جهان، شرکت‌های فناوری پیشرو را حمایت می‌کند و در راستای چین‌زدایی از صنایع داخلی از شرکت‌های بزرگ داخلی حمایت می‌کند (Kim, 2024: 75-79). چین نیز جهت گریز از آسیب‌پذیری، سیاست خوداتکایی و حمایت از صنایع راهبردی را پیش گرفت. همچنین، در عصر تقابل ژئوپلیتیک، دولت‌ها برای تثبیت نقش بین‌المللی از شرکت‌های بزرگ و چند بعدی فناوری، انرژی، لجستیک، تجاری و... جهت تقویت جایگاه در هرم قدرت بین‌المللی بهره می‌برند (Sapio, 2025: 1-2). همانند سایر کشورهای جهان که برای عبور از موانع فعلی سیاست مداخله‌گرایی و حمایت‌گزینی از شرکت‌های مادر را در پیش گرفته‌اند، در جمهوری اسلامی ایران نیز مداخله و حمایت دولت از حوزه‌های پیشرو اقتصادی جهت رقابت و کاهش آسیب‌پذیری از تنش‌های ژئوپلیتیک ضروری است.

### ۱۰-۵- تقویت رویکرد ضدسلطه‌گری در نظم جهانی

چین از طریق نهادهای در دست تأسیس، همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان و امارات و همکاری سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی با برخی از کشورهای آفریقایی و آسیای جنوب شرقی، توانسته این کشورها را به اتخاذ سیاست‌های نسبتاً مستقل از آمریکا سوق دهد. چین، جمهوری اسلامی ایران و روسیه اشتراکات ضد هژمون در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی-

نظامی و ایدئولوژیکی علیه آمریکا دارند. همچنین راهبران چین مخالف نظم تک‌قطبی آمریکا در شرق آسیا است و تهران در ۵ دهه اخیر رویکرد ضد یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را پیش برده است (Aron, 2025: 1-3). رویکرد ضد هژمونی این بازیگران به‌عنوان نقطه اشتراکی در سیاست خارجی آن‌ها در نظم جدید است که با پیشبرد آن زمینه تقویت چندجانبه‌گرایی در نظم جدید فراهم می‌گردد. به‌عنوان مثال، جمهوری اسلامی ایران و چین رویکرد ضد هژمونی در خلیج فارس و غرب آسیا را تقویت کنند. پس از جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، به دلیل افزایش مصارف نظامی و کاهش کارآرایی ضعف‌های آمریکا آشکارتر شد. همچنین هزینه‌های اقتصادی داخلی، عدم سازمان‌دهی و تثبیت اقتصاد جهانی نشان‌گر ضعف‌های آمریکا به عنوان رهبر نظم بین‌المللی لیبرال است. در چنین شرایطی فضای مانور رقابتی اصلی همچون جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه برای پیشبرد رویکرد ضد هژمون‌گرایی در نظم بین‌المللی فراهم شده است.

## نتیجه‌گیری

نظام بین‌الملل طی ۶ قرن اخیر تحولات زیادی را در چرخه هژمونی متحمل شده که در نتیجه تحولات آن تغییرات عمیقی در ساختارها و آرایش دولت‌ها در عرصه جهانی ایجاد شده است. نظام بین‌الملل در نیمه اول قرن بیستم با کاهش هژمونی بریتانیا و ظهور قدرت‌های جدید جنگ‌ها و چالش‌های گسترده‌ای را در جهان ایجاد نمود. پس از جنگ جهانی دوم نظام بین‌الملل معاصر به شکل دوقطبی (جنگ سرد) بین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا ظهور یافت و از دهه ۱۹۹۱ به بعد با فروپاشی شوروی، نظم تک‌قطبی به رهبری آمریکا بر جهان تسلط یافت که از همان ابتدا و به‌ویژه در دهه اول قرن بیست و یکم با چالش‌های جدی مواجه شد. ماحصل آن تغییرات و تحولات نظام جهانی و فراهم نمودن زمینه برای نظم جدید جهانی بود که به‌زعم بسیاری از محققان و شواهد موجود در اشکال چندقطبی ظهور یافته است. در بازآرایی نظم جدید اصول و پایه‌های نظم دچار تغییرات بنیادی گشته و زمینه را برای باز تنظیم سیاست خارجی دولت‌های بزرگ، متوسط و حتی کوچک فراهم آورده است.

در بازآرایی نظم جدید و تحول در نظام بین‌الملل که گذار در نظم بین‌المللی آمریکا محور صورت گرفته است، ائتلاف‌ها جدید شکل گرفته و ائتلاف‌های چندجانبه و دوجانبه دیگری در حال

شکل‌گیری و تثبیت هستند، چین به عنوان راهبر جبهه شرق و آمریکا به عنوان راهبر جبهه غرب سازمان‌دهی اصلی را انجام می‌دهند، اتحادیه اروپا، روسیه، هند، برزیل، ژاپن، بازیگران اثرگذار هستند، رژیم‌سازی منطقه‌ای با همکاری بازیگران اصلی جهانی و منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است، مسیرهای مالی، پولی، تجاری، سرمایه‌گذاری در حال تغییر است و زنجیره تأمین جهانی دستخوش تحول می‌باشد، مسیرهای فرهنگی در حال خارج شدن از کنترل غربی است، شکل‌گیری پایه‌های جدید قدرت بر مبنای فناوری و هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال، حکمرانی سلامت جهانی و ... شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است. در بازآرایی جدید، رقابت بین دو مدل حکمرانی «لیبرال» به رهبری آمریکا و مدل «سوسیالیسم با ویژگی چینی» به رهبری چین در جریان است. برخی از دولت‌ها همسویی با حکمرانی لیبرال، برخی همگامی با شیوه حکمرانی چین و برخی دیگر رویکرد «زیست در شکاف» و عدم دنباله‌روی از این دو مدل را دنبال می‌کنند. به‌عنوان مثال در حکمرانی دیجیتال رقابت بین حکمرانی «لیبرال دیجیتال» و حکمرانی «اقتدارگرایی دیجیتال» در جریان است. در مجموع در عصر بازآرایی قدرت در نظام بین‌الملل تغییر در بنیادها نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل، برآمدن چین به عنوان بازیگر قواعدساز، رقابت قدرت‌های برتر نظم تک‌قطبی با قدرت‌های نوظهور، توزیع توانمندی و آرایش جدید بازیگران، ظهور ائتلاف‌های جدید، اقدامات آمریکا برای بازیابی نظم، افزایش تنش ژئوپلیتیکی و ژئوکونومیکی مهم‌ترین روندها و پیشران‌های موجود هستند که دولت‌ها با نظر گرفتن آن‌ها اقدام به تنظیم راهبرد سیاست خارجی می‌نمایند. این فرآیندها و رویه‌های در حال شکل‌گیری، تأثیر به‌سزایی بر آینده حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان دارد و الزامات جدیدی را برای سیاست خارجی تهران ایجاد می‌نماید که لازم است سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در راستایی این تحولات تنظیم گردد. در این راستا، مهم‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی مشخص جهت حضور مؤثر در تمام ارکان در حال تحول نظم بین‌الملل، پیشبرد نگاه به شرق، تقویت محور مقاومت با هماهنگی سیاست دفاعی-امنیتی و سیاست‌های اقتصادی، اتخاذ راهبرد مصون‌سازی، استفاده و گسترش بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای، تنش‌زدایی و ائتلاف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، مدیریت ریسک ناشی از تنش و برخورد قدرت‌های بزرگ، جانمایی دقیق در زنجیره

ارزش جهانی و منطقه‌ای، مداخله دولت و حمایت‌گرایی از حوزه‌های پیشرو اقتصادی، حمایت از قوانین، هنجارها و استانداردهای جدید و تقویت رویکرد کانتر هژمون در نظم جهانی. نتیجتاً، بر اساس گزاره‌های عینی تصور الگوی مطلوب جهانی که در قالب مجموعه‌ای از قواعد، استانداردها، هنجارها، نهادها و سازوکارهای بین‌المللی پس از ۱۹۴۵ و سپس ۱۹۹۱ تحت عنوان «نظم بین‌المللی آمریکا محور» تثبیت شده بود، فروپاشیده است و نظم بین‌المللی آمریکامحور با تصور «همیشگی بودن» با نسخه‌های جایگزین دیگری روبه شده است. جنگ اوکراین، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، جنگ تجاری علیه چین، بحران دریایی سرخ و تحولات از این قبیل، جهان را به دوره «تغییرات بزرگ» وارد کرده که سیاست دولت‌ها نه حرکت در مسیر نظم موجود، طراحی و حفظ ساختارهای آن است؛ بلکه کنشگری در میان تحولات و سیاست‌گذاری برای بهره‌برداری از آشفتگی پیش‌رو و جهت‌دهی به مسیر تغییرات در حال رخ دادن است. نماینده طیف دوم، چین، جمهوری اسلامی ایران، روسیه و سایر قدرت‌های نوظهور هستند که بر اساس تجربه و ابزارهای موجود بازسازی نظم جهانی جدید را دنبال می‌کنند. جهان دیگر بر مبنای قواعد از پیش تعیین شده عمل نمی‌کند؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید با راهبردهای مشخصی همچون حضور مؤثر در ارکان در حال تحول نظم، پیشبرد نگاه به شرق، راهبرد منعطف در سیاست خارجی، حمایت از هنجارها و استانداردهای جدید، ائتلاف‌سازی جدید، مدیریت ریسک ناشی از تنش و برخورد قدرت‌های بزرگ، حمایت‌گرایی از حوزه‌های پیشرو اقتصادی و جانمایی دقیق در زنجیره تأمین منطقه‌ای و جهانی نقش خود را به عنوان قدرت نوظهور در عرصه نظام بین‌الملل و منطقه تعیین و تثبیت نماید.

## Translated References to English

- Abedi, A., Aslani, A. (2021). Iran and the Global Transition of Power: Perspectives and Viewpoints. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(33), 217-236. doi: 10.22034/irfa.2021.145390.
- Acharya, A., Estevadeordal, A., & Goodman, L. W. (2023). Multipolar or multiplex? Interaction capacity, global cooperation and world order. *International Affairs*, 99(6), 2339-2365.
- Ajorlou, H. (2021). A New US Foreign Policy; The Decline from a Superpower to a Great World power. *American Strategic Studies*, 1(2), 93-109. doi: 10.27834743/ASS.2018.1017. [In Persian]
- Alenezi, D. A. (2024). US rebalance strategy to Asia and US-China rivalry in South China Sea from the perspective of the offensive realism. *Review of Economics and Political Science*, 9(2), 102-115.
- Allison, G. (2017). *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Amiri, M & Ghafarizadeh, M. (2024). The Next Century - The Asian Century: Opportunities and Challenges for the Islamic Republic of Iran. The Majlis Research Center (MRC), Serial No. (18967). [In Persian]
- Antony, S. (2023). Diversification of BRICS: emerging economic and geopolitical shift. *Strategic Analysis*, 47(6), 565-570.
- Aron, L. (2025). The Iran-China-Russia Axis Crumbles When It Matters. The Atlantic, Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2025/06/iran-china-russia-axis-crumbles/683369/>, 2025/05/29.
- Ashford, E., & Cooper, E. (2023). Yes, the World Is Multipolar, Foreign Policy, Available at: <https://foreignpolicy.com/2023/10/05/usa-china-multipolar-bipolar-unipolar/>, 2023/10/05.
- Bagheri Dolatabadi, A. (2025). U.S. decline, China's rise, technology, soft power, economy, artificial intelligence. *American Strategic Studies*, 4(4), 69-105. doi: 10.47176/asr.2025.1270. [In Persian]
- Bagheri Dolatabadi, A. and Taghvaeipoor, R. (2024). Factors Affecting the Pursuit of Looking East in the Foreign Policy of Ebrahim Raisi Administration. *Iranian Research letter of International Politics*, 13(1), 125-101. doi: 10.22067/irlip.2024.80298.1350. [In Persian]
- Baker, J. (2025). Is China's cross-border payments network on the rise?. *FXC Intelligence*, Available at: <https://fxcintel.com/research/analysis/cips-growth-may-2025>, 2025/06/04.
- Bazoobandi, S., Heibach, J., & Richter, T. (2024). Iran's foreign policy making: consensus building or power struggle?. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 51(5), 1044-1067.
- Biden, J.R. (2023a). Biden bans range of US high tech investments in China citing national security risk. The guardian,

- <https://www.theguardian.com/world/2023/aug/09/biden-executive-order-us-investment-chinese-technology>, 08/09/2023.
- Biden, J.R. (2023b). Biden orders ban on certain US tech investments in China. Reuters, <https://www.reuters.com/world/white-house-detail-plans-restricting-some-us-investments-china-source-2023-08-09/>.
- Blanchette, J., & Hillman J.E. (2020). China's Digital Silk Road after the Coronavirus, Center for Strategic and International Studies, Available at: <https://www.csis.org/analysis/chinas-digital-silk-road-after-coronavirus>, 2020/04/13.
- C.Allen, G. (2023). China Is Striking Back in the Tech War With the U.S., TIME, Available at: <https://time.com/6295902/china-tech-war-u-s/>, 2023/07/20.
- Calabrese, J. (2022). China's Health Silk Road and the BRI Agenda in the Middle East The Middle East Institute, Available at: [https://www.mei.edu/publications/chinas-health-silk-road-and-bri-agenda-middle-east#\\_ftn6](https://www.mei.edu/publications/chinas-health-silk-road-and-bri-agenda-middle-east#_ftn6), 2022/01/11.
- Cengiz, S. (2020). Saudi foreign policy towards China in the Post-Arab uprisings era: a neo-classical realist approach. Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 14(1), 51-67.
- CGTN. (2023). China releases plan for Shenzhen-Hong Kong sci-tech zone, Available at: <https://news.cgtn.com/news/2023-08-29/China-releases-plan-for-Shenzhen-Hong-Kong-sci-tech-zone-1mFypS2og7K/index.html>, 2023/08/29.
- Chu, J., Fang, C., & Lai, K.P. (2025). Reshaping state-finance-tech nexus through central bank digital currencies: the case of the mBridge project. Finance and Space, 2(1), 281-304.
- Cirillo, F., & et al. (2021). The Future of the Digital Order, Center for new American security. Available at: <https://www.cnas.org/publications/reports/the-future-of-the-digital-order>, 2021/11/17.
- Degterev, D. (2019). Multipolar world order: Old myths and new realities. Vestnik RUDN. International Relations.
- Dehghani Firouzabadi., & zabihi, R. (2024). Iran and the New World Order; Challenges and opportunities. International Quarterly of Foreign Relations, 16(1), 1-26. doi: 10.22034/fr.2024.440842.1488. [In Persian]
- Desch, M. C. (2025). Balancing Away from War: How the USA and China Can Side-step the Thucydides' Trap. The Chinese Journal of International Politics, 18(2), 151-172.
- Eyvazi, M. R. (2022). The Islamic Republic of Iran and the Future Scenarios Focused on American Power. American Strategic Studies, 2(1), 11-39. doi: 10.27834743/ASS.2018.1021. [In Persian]
- Fathollah-Nejad, A. (2021). Iran in an emerging new world order: From Ahmadinejad to Rouhani. Palgrave Macmillan.
- Freifeld, Karen, S.A., & Shepardson, D. (2023). Biden orders ban on certain US tech investments in China, Reuters Available at: <https://translate.google.com/?hl=fa&sl=fa&tl=en&text=%D9%82%D8%A7%D>

- 8%A8%D9%84%20%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%B3%20%D8%AF%D8%B1&op=translate, 2023/08/10.
- Gökay, B., & Hamourtziadou, L. (2026). The war on Iran, the petrodollar, and US hegemony. *Journal of Global Faultlines*, 13(1), 3-8.
- Grosse, R., Gamso, J., & Nelson, R.C. (2021). China's rise, world order, and the implications for international business. *Management International Review*, 61(1), 1-26.
- Hanif, F., Muzaffar, K., Perveen, K., Malhi, S.M., & Simjee, S.U. (2017). Glioblastoma multiforme: a review of its epidemiology and pathogenesis through clinical presentation and treatment. *Asian Pacific journal of cancer prevention: APJCP*, 18(1), 3.
- Ikenberry, G. (2008). The rise of China and the future of the west. *Foreign affairs*, 87(1), 23-37.
- Ikenberry, G. J. (2011). The future of the liberal world order: Internationalism after America. *Foreign affairs*, 56-68.
- Jargad, S., & Kirit Javali, N. (2025). Central Bank Digital Currency: China's First-Mover Advantage and Policy Pathways for India. Available at: <https://csep.org/blog/central-bank-digital-currency-chinas-first-mover-advantage-and-policy-pathways-for-india/>, 2025/12/19.
- Jiggins, J. (2023). John Mearsheimer and the decline of US hegemony, Pearls and Irritations, Available at: <https://johnmenadue.com/john-mearsheimer-and-the-decline-of-us-hegemony/>, 2023/11/02.
- Keshvarian Azad, M. (2026). The Ramadan War: From Accelerating Transitional Processes to the Cycle of Hegemonic Anxiety. *Center for American Studies*, 19/6/2026. [In Persian]
- Kim, D. J. (2024). US protectionism and competition with China. *The Washington Quarterly*, 47(2), 71-86.
- Kim, S.H., & Kim, S. (2023). China's contestation of the liberal international order. *The Pacific Review*, 36(6), 1215-1240.
- Larson, D.W. (2024). Is the liberal order on the way out? China's rise, networks, and the liberal hegemon.
- Lewis, J.A. (2021). The Future of the International System. *Center for strategic & international studies*, Available at: <https://www.csis.org/analysis/future-international-system>, 2021/08/30.
- Liu, X. (2024). Coalition building and Sino-US competition in the digital era. *The Chinese Journal of International Politics*, 17(4), 425-448.
- Mearsheimer, J.J. (2019). Bound to fail: The rise and fall of the liberal international order. *International security*, 43(4), 7-50.
- Mirtorabi, S.S., Keshvarian azad, M. (2025). Saudi Arabia's Hedging Strategy in facing with US and China and its impact on Iran's national interests. *International Quarterly of Foreign Relations*, 17(1), 1-29. doi: 10.22034/fr.2025.478568.1580. [In Persian]
- Muggah, R. (2024). Why geopolitics matters more than ever in a multipolar world, *World Economic Forum*, Available at:

- <https://www.weforum.org/agenda/2024/05/why-geopolitics-matters-more-than-ever-in-a-multipolar-world/>, 2024/05/10.
- Nye, J.S. (2023). After the liberal international order. In *Soft Power and Great-Power Competition: Shifting Sands in the Balance of Power Between the United States and China* (pp. 83-85). Singapore: Springer Nature Singapore.
- Park, J. J. (2025). American coalition building of the US-led security network in the Indo-Pacific: US influence-building measures. *Australian Journal of International Affairs*, 1-16.
- Parrat, C.F. (2018). Change in international order? An institutional analysis. *European Journal of International Security*, 1-19.
- Patil, s., & Gupta. (2024). The Digital Silk Road in the Indo-Pacific: Mapping China's Vision for Global Tech Expansion. Observer Research Foundation, Available at: <https://www.orfonline.org/research/the-digital-silk-road-in-the-indo-pacific-mapping-china-s-vision-for-global-tech-expansion>, 2024/06/03.
- Peoples, C. (2024). The liberal international ordering of crisis. *International Relations*, 38(1), 3-24.
- Pesek, W. (2026). Iran's Hormuz pain is China's yuan gain. *Asia Times*, <https://asiatimes.com/2026/03/irans-hormuz-pain-is-chinas-yuan-gain/>, MARCH 24, 2026.
- Peters, M.A. (2023). The emerging multipolar world order: A preliminary analysis. *Educational Philosophy and Theory*, 55(14), 1653-1663.
- Pirani, S., Saeedi Rad, A. (2022). United States Political Decline; Backgrounds and Reasons. *American Strategic Studies*, 1(4), 149-167. doi: 10.27834743/ASS.2018.1019. [In Persian]
- Proroković, D., & Stekić, N. (2024). New balance of power in the international relations and the role of China. Institute of International Politics and Economics; Faculty of Security, University; Sapienza University, Department of Political Science; Austin Peay State University.
- Reuters. (2023). China to launch \$40 billion state fund to boost chip industry, Available at: <https://www.reuters.com/technology/china-launch-new-40-bln-state-fund-boost-chip-industry-sources-say-2023-09-05/>.
- Salameh, M. T. B. (2024). Kuwait's Hedging Strategy Toward Iran and Saudi Arabia. *Middle East Quarterly*.
- Sapio, F. (2025). China 2024—Preparing for future challenges through self-reliance. *ASIA MAIOR*, 36, 1-26.
- Sattar, F., & Rasouli Sani Abadi, E. (2024). Feasibility of establishing the hegemonic security model in the West Asian region in the post-American era; Existing obstacles and challenges (2001-2024). *American Strategic Studies*, 3(3), 93-115. doi: 10.27834743/ASS.2405.1218.4. [In Persian]
- Soliman, M. (2021). An Indo-Abrahamic alliance on the rise: How India, Israel, and the UAE are creating a new transregional order. Available at: <https://www.mei.edu/publications/indo-abrahamic-alliance-rise-how-india-israel-and-uae-are-creating-new-transregional>, 2021/07/27.

- Takahashi, M. (2026). International Information Network Analysis. Sasakawa Peace Foundation, [https://www.spf.org/iina/en/articles/takahashi\\_10.html](https://www.spf.org/iina/en/articles/takahashi_10.html), June 9, 2026.
- Torki, H. (2024). A new approach to power based on artificial intelligence (a case study of US-China competition from 2010 to 2023). *American Strategic Studies*, 4(2), 91-114. doi: 10.47176/asr.2024.1206. **[In Persian]**
- Trademap. (2026). Trade around the world: China. <https://www.trademap.org/en/>.
- Waltz Kenneth, N. (1979). *Theory of international politics*/Kenneth N. Waltz. – Michigan.
- Wu, Rui., & Jun, Z. (2020). The Continuous Weakening of Ideology in the Construction of China-Saudi Arabia Relations: A Historical Review. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14(4), 554-566.
- Xuetong, Y. (2019). The age of uneasy peace: Chinese power in a divided world. *Foreign Aff.* 98, 40.
- Zorri, D.M. (2023). Saudi Arabia and Iran in a multipolar global world order: Scenarios for the future of the middle east. *Journal of Peace and War Studies*, 60.